

دیوانه حافظ

افشار جابری و حافظ شیرازی

«آبی به روزنامه اعمال ما فشان»

درگیر شیشه و غم خانه تکانی ام



زهرا آراسته نیا

نکته روح فراز از دهن دوست بگو

نامه خوش خیر از عالم اسرار بیار

ای صاحب فال شاد باش که بخت به تو روی کرده و تو را بند «پ» در حال تقویت است و به نامه‌ای گره از مشکلات باز خواهد شد، بی‌التماس و بی‌زیرمیزی!

چون نامه‌ای از یک خررو (آنکه خرش در همه جا می‌رود) به دست رسید فی‌الغور آن را به رئیس شرکت‌تان بده تا کرامتی شگرف را به چشم ببینی؛ اما چون دیدی دهان فرو بند که از دیرباز گفته‌اند:

آنکه را اسرار رانت آموختند / مهر کردند و دهانش دوختند

پس خودت بدوزی بهتر است!

مالیات از بوق



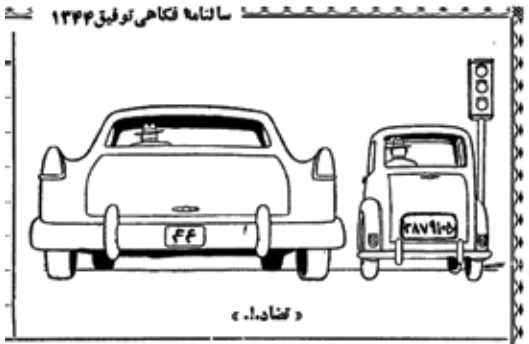
بهزاد توفیق‌فر

راننده سرویس اداره ما عقیده دارد که نباید از سلبریتی‌ها مالیات بگیرند. او هرروز صبح که ما را به اداره می‌رساند، سرفصل دلایل خود را برای بیچاره و طفلکی بودن سلبریتی‌ها و هنرپیشه‌ها و اینفلوئنسرها، با صدای بلند می‌گوید

و عصرها موقع برگشتن، درباره همان عناوین توضیح می‌دهد و در پایان هم پرسش و پاسخ در صندلی کنار و پشتی راننده، برگزار می‌شود. البته من اغلب در سرویس، خواب هستم. اما تا جایی که جسته و گریخته و در میان صدای آگزوز مینی‌بوس و ترافیک، به گوشم خورده، چکیده نظر ایشان (یعنی راننده سرویس ما) این است که: مثلاً همین هنرپیشه‌ها که خیلی به چشم خواهری... من سگ هستم... پاکوتاه... فرش قرمز جشنواره فیلم فجر... بووووق... ابروکمون، چشم عسلی... سه بار طلاق موفق... رفت کانادا زایید... می‌خوام پیام... آقا رد شدی... وزارت ارشاد... پیاده... بووووق... میشم... لوازم آرایش و کلاه‌گیس... پول خون باباشون... میخام بشم دومادنتون... سگ و گربه و تمساح... اشک میریزن و چیخ میزنن... مالیات که نباید بگیرن هیچ... نگو نمیشه، نگو نمی‌خوای... آقای راننده از ایستگاه رد شدی بابا!

در اینجا من پیاده شدم. خودتان، ترانه و صدای ترافیک و بوق را از وسط شنیده‌های من حذف کنید، ببینید چیزی از توای آن درمی‌آید یا نه. این کارتون را هم ما از سالنامه نوروز ۱۳۴۴ توفیق درآوردم.

مروری بر مطبوعات طنز ایران



دانستنی‌های نوستالژیک



علیرضا عبیدی

آیا می‌دانستید طبق نظر ناظم‌ها، مدیران و معلمان، برای دانش‌آموزان دهه شصتی، تنها سه شغل «دکتری، مهندسی و حمالی!» در آینده وجود خواهد داشت؟!

آیا می‌دانستید همان ناظم‌ها، مدیران و معلمان، همواره به ما تأکید می‌کردند که مملکت به هر سه این مشاغل نیاز دارد؛ پس درستان را بخوانید بوق‌های بوق؟!

آیا می‌دانستید از نظر پدران و مادران دهه شصت، نیمه دوم سال، زمان مناسبی برای به دنیا آمدن نبود؟!

آیا می‌دانستید تا وقتی نوزاد داغ بود و نمی‌فهمید که ماه اشتباهی به دنیا آمده، شناسنامه‌اش را شهرویر می‌گرفتند؟!

آیا می‌دانستید شیرین‌کاری‌های دهه شصتی‌ها، کاملاً ابداعی بود و تا قبل از آن بشر بدان دست نیافته بود؟

آیا می‌دانستید عامل اصلی نقص عضو یا زهره‌ترک شدن بچه‌های دهه شصتی همان شیرین‌کاری‌ها بود؟!

آیا می‌دانستید دلیل موفقیت تیم کبیدی (همون زوی خودمون) فوت‌کردن بی‌امان در مزاحمت تلفنی بود؟!

آیا می‌دانستید گاز گرفتن روی یک دهه شصتی و ساختن ساعت مچی، ایده اولیه برند ساعت مچی معروفی بوده است؟!

گفت‌وگویی پیرامون شفافیت

شفافیت را به پایان سال موکول نکنید



محمدامین میرمدانی

در خدمت یکی از نمایندگان محترم خانه ملت هستیم، لطفاً بفرمایید که چه گام‌هایی توسط شما در راستای اجرای شفافیت برداشته شده؟

ببینید طی جلسات بی‌شماری که ما داشتیم به این نتیجه رسیدیم که قبل از هر چیز شفافیت باید از خود ما شروع بشود. از خانه ما شروع بشود. از خانواده ما شروع بشود.

احسنت نمی‌خوام. گوش کنید.

بله. خوب در این راستا چه اقداماتی باید انجام بشه؟ از قدیم در سیاست گفته شده با دستمال کثیف نمی‌شود لکه‌ها را زدود. یعنی چی؟

یعنی که قبل از شفافیت باید ابزارهای اعمال شفافیت فراهم باشه؟

دروود بر شما. ابزارها باید فراهم و تمیز باشد.

خب این کار پیچیده‌ای است. بیشتر توضیح میدین؟

نه آنقدرها هم پیچیده نیست. فوت و فن دارد. راز شفافیت درست، در جلاندن درست است. شما وقتی خوب شفاف می‌کنید که خوب بچلانید و گرنه هر چقدر هم زور برنیزد بدتر کدر می‌شود.

منظورتون اینه که باید با مخالفین شفافیت مقابله کرد؟

اصلاً هدف همین است.

خب بفرمایید چه گروه‌هایی مخالف شفافیت هستند؟

زیادند. میکروب‌ها، ویروس‌ها، لکه‌ها، چرک‌ها...

چه تعبیر تندی هم علیه گروه‌های مخالف شفافیت به کار بردید شما. پس درواقع این گروه‌های فشار هستند که جلوی اجرای شفافیت رو گرفتند.

نه آقا. گروه فشار که ما هستیم.

شما یقین؟

بله. اصلاً اگر فشار ما نباشد شفافیت بخوبی ایجاد نمی‌شود. بدتر جایش هم می‌ماند.

خب با وجود فشار شما چرا به نتیجه نمیرسه؟

چون اینها ماندگار نشدن. ما نباید شفافیت را موکول کنیم به پایان سال. باید به طور مستمر شفافیت جاری باشد. سخت است ولی ممکن است.

ماشاءالله شما خیلی پیچیده صحبت می‌کنید. البته حساسیت‌ها رو بنده درک می‌کنم.

ما فکر حساسیت‌ها را هم کرده‌ایم.

چطور؟

با استفاده از دستکش.

منظورتون حکم حکومتی یا همچنین چیزی؟

حالا مارکش مهم نیست. به قول آقای ظریف هر دستکشی بهتر از بی دستکشی هست.

حقیقتش آقای دکتر خیلی گفت‌وگومون رموز شد.

من خواهش می‌کنم که شفاف‌تر صحبت کنید.

شفاف‌تر از این؟ هر چه پرسیدید بنده رک و راست جواب دادم.

آقای دکتر یک نقدی وجود داره و می‌گن که چرا مجلس نزدیک یک ساله که شفافیت رو به هفته آینده موکول می‌کنه؟

بله این نقدی است که بنده هم دارم. عرض هم کردم؛

ما نباید شفافیت را به روزهای پایانی سال موکول کنیم. دوستان هی گفتند هفته بعد، هفته بعد، تا اسفند ماه برسد.

مگه به روزهای آخر سال موکول شده؟

بله متأسفانه. منتهی این اشکال از فرهنگ ماست.

می‌خواهیم کلی کار را بیکه‌تا بیکه سال تحویل انجام بدهیم.

حالا همین قبل از سال هم انجام بشه میتونه یک عیدی باشه برای مردم. این طور فکر نمی‌کنید؟

والا چه بگویم؟ خیلی متوجه ذوق شما نمی‌شوم. اما قضیه این است که آنقدر حجم کارها بالاست و سرعت عمل زیاد است که این وسط ممکن است شفافیت به خوبی انجام نشود و خیلی جاها لکه‌ها باقی بماند.

دیگه چه کارهایی در دستور کار این هفته‌های پایانی هست؟

خیلی کارها. الان من نمی‌دانم به شفافیت ببرازم یا به فالیشویی ببرازم یا به خانه تکانی؟ این‌هایی که گفتین اسامی طرح‌ها و لوایح هست؟

طرح خونه تکونی چیه جناب نماینده؟

اهل کجایید که نمی‌دانید خانه تکانی چیه؟ خانه تکانی دیگه. خانه را تمیز می‌کنی. قالی‌ها را میشواری.

شیشه‌ها را شفاف می‌کنی.

شیشه؟ من منظورم شفافیت آرای نمایندگان و حقوق‌ها و قراردادهاست.

آها! آن که دستور کار هفته بعد مجلس است. وقت ما راهم گرفت! خانم در خانه منتظر است بروم پرده‌ها را باز کنم. بدرود

سیر بررسی یک طرح شفافیت

شفاف بشو عمو ببینه



محمد رضا رضایی

قبل از انتخابات:

شفافیت حق مردم است. ننگ بر شما که خودتان را شفاف نمی‌کنید مردم ببینند.

نزدیک‌های انتخابات:

ان‌شاءالله بعد از تشکیل مجلس جدید اولین اقدام تصویب طرح شفافیت آرا است. شفافیت حق مردم است.

یک ماه بعد از تشکیل مجلس:

فعلاً معیشت مردم در تنگناست؛ گفتیم اول معیشت مردم رو سر و سامون بدیم، بعد سر صبر بریم سراغ شفافیت.

تا اون موقع خود نماینده‌ها، خودجوش رای‌هاشون رو در پیام‌رسان سروش منتشر می‌کنن که مردم در جریان باشن.

شش ماه بعد از تشکیل مجلس:

الآن که حرف شفافیت رو هم نزنید. فعلاً بررسی لایحه بودجه از نون شب هم واجب‌تره. خواسته اصلی مردم تعیین نرخ تسعیر ارز در بودجه سال آینده است.

نه ماه بعد از تشکیل مجلس:

باشه آقا، باشه! چیه این شفافیت که هی می‌گوید؟ فردا بررسی می‌کنیم ببینیم دیگه مشکلاتون با مجلس چیه؟

یک سال پس از تشکیل مجلس:

آقا بررسی کردیم، دیدیم همچین مالی هم نیست شفافیت. ما هم بهش رای ندادیم. در همه‌جا دنیا رای نمایندگان مثل مسواک به چیز شخصی. گول این رسانه‌ها رو



معرفی کتاب طنز وقایع اختلافیه

اخباری که همیشه نمی‌شنوید

فرزانه زینلی

■ **تا حالا به اخبار دقت کردید؟**

رسالت روزنامه‌ها و رسانه‌ها همین است که همه اتفاقات و مسائل دور و بر دنیا را، از کوچک تا بزرگ پوشش بدهند. این خبرهایی توانند مربوط به انتخابات ریاست جمهوری کشور اردن باشند؛ یا گزارشی درباره اثرات جایگزین کردن روبل به جای دلار. حالا یک کتاب را فرض کنید که همه این اخبار را در یک برهه زمانی معین در کنار هم بیاورد. چیزی شبیه به یک دایرةالمعارف اخبار کامل خواهد بود که تاریخ و سیاست را به نمایش می‌گذارد، اما اگر چنین کتابی را با نگاه طنز به اخبار و حواشی بنویسیم چطور؟

این ایده دقیقاً کاری است که امید مهدی نژاد در کتاب «وقایع اختلافیه» انجام داده است. او در این کتاب، از بی‌اهمیت‌ترین تا مهم‌ترین اخبار را در کنار هم آورده و بعضی را هم تحلیل کرده است. در کنار اخبار، گاهی گزارشی یا مصاحبه هم آورده تا نگاه طنزش به جریان رسانه و اخبار را تکمیل کند.

مسائل مختلفی در حوزه سینما، سیاست، فرهنگ و جامعه و خلاصه هر چیزی که در اخبار پیدا می‌شود، سوزهای برای بخش‌های مختلف این کتاب بوده‌اند؛ حتی نویسنده در بخشی به سراغ قالب زیارتنامه هم رفته و آن را در قالب اصلی کتاب، یعنی شرح اخبار قرار داده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «... یک شرکت سیاحتی - زیارتی اردنی، با موافقت دولت عراق اقدام به ساخت ضریح برای قبر صدام کرد. در پی انتشار این خبر، جمعی از شاعران، طنزپردازان و زیارتنامه سرایان ایرانی تهیه متن زیارتنامه مرقد صدام در تکریت را برعهده گرفتند. به گزارش صدام یزید نیوز، متن این زیارتنامه به شرح زیر می‌باشد: آاز در وارد می‌شوی، پشت به قبله می‌ایستی، دست راست را تحت بطن گرفته، رو به مرقد چنین می‌گویی: [السلام علی القابیل القاتل اخیه، السلام علی النرون خصم‌الله و خصم الناس، السلام علی الاقبیلا الجانی بالفطره، السلام علی التموچین شر الخلق فی زمانه و کل الأزمنه، السلام علی الهیتر و الجرجیل و الاستالین، السلام علی کل رؤساء الجمهور الامریکیه، سیما الجرج البوش الأول و الثانی، السلام علی القاتلین و الجائنین و الدیکتاتورین و الکفافتین کلهم و نقمه‌الله و در کائ...»

کتاب وقایع اختلافیه در سال ۱۳۹۳، توسط نشر سپیده باوران در ۱۲۵ صفحه منتشر شده و قیمت آن هم اکنون شش هزار تومان است.

بیش از پنجاه شهید در انفجار تروریستی مسجد شیعیان در پشاور پاکستان

سیدمحمدجواد ظاهری